

## بسم الله الرحمن الرحيم

رنج و درد مسلمانان اویغور چه وقت پایان خواهد یافت؟!

(ترجمه)

من امروز برای شما در مورد یکی از مناطقی که مملو از فجایع، جنایت‌ها و کشتارگاه‌ها (سلاخ‌خانه‌ها) است، حکایت می‌کنم؛ منطقه‌ای که در آن نسل‌کشی در حال وقوع است و اهل آن منطقه با شدیدترین اشکال شکنجه روحی و جسی می‌شوند که اصلاً عقل آن را تصور نمی‌کند. با وجود این‌که بیشتر از 20 میلیون مسلمان در اویغور سکونت دارد، آن‌جا کاملاً به یک زندان باز تبدیل شده است. به عبارت دقیق‌تر: منطقه‌ای است که انسانیت در آن دفن شده است. از همین معلومات اندک می‌توانید تصور کنید که آنچه در مورد آن صحبت می‌کنیم، همانا ترکستان شرقی است. بلی، اشتباه نکردید!

ترکستان شرقی به دلیل بدرفتاری به اهل آن توسط حاکمان کافر چین معروف و شناخته شده است. حتی گاهی اوقات مشکلاتی که در آن‌جا جریان دارد، از طریق وسایل ارتباط الکترونیکی در معرض دید قرار می‌گیرد؛ اما شکنجه، آزار و اذیت مسلمانان اویغوری هرگز متوقف نشده است؛ بلکه روش‌های آزار و اذیت متنوع و پیشرفته نیز شده است. بسا اوقات شاید بشنوید که اطفال در ترکستان شرقی کشته و یا به اردوگاه‌های اطفال انتقال داده می‌شوند که به نام کودکان‌های قانونی "چینی نمودن شان" سعی است، زنان در آنجا مورد تجاوز قرار می‌گیرند، مجبور به انجام کارهای زشت می‌شوند، از آن‌ها رحم‌های شان گرفته می‌شوند و تمام مسلمانان آنجا از پرداختن به عبادات و شعائر اسلامی و حتی از گفتن "السلام علیکم" در هنگام روبه‌رو شدن... محروم اند. به طور خلاصه، این منطقه‌ای است که در آن قتل‌های سیستماتیک جریان دارد و با اسالیب مختلف انجام می‌شود که انواع آن‌ها قابل شمارش نیست و نه هم زشتی‌های آن‌ها توصیف می‌شود.

چین کمونیست از هر فرصتی برای تحقق اهداف خود استفاده می‌کند و این بار هم از کشتار تدریجی مسلمانان اویغور به بهانه مبارزه با کرونا استفاده نموده است. بیشتر از چهل روز است که تمامی اقلیم ترکستان شرقی به منطقه بسته تبدیل شده و دروازه هر قریه، کوچه، خانه‌ها و مجتمعات مسکونی در شهر را با آهن، جوشکاری نموده که باز کردن آن ممکن نیست؛ مگر توسط آهنگر و خروج هر انسانی از خانه‌اش محال و ناممکن می‌باشد. طور مثال؛ هنگامی که تصمیم "قرنطینه شهر گلجا" صادر شد، حکومت چین باشنده‌گان شهر را از رفتن به سوی هر مکانی منع کرده بود؛ یعنی بر ساکنان لازم و ضروری بود، در هر جایی که می‌بودند، باقی می‌ماندند؛ چه در راه‌ها، چراگاه‌ها و یا در خانه، اجازه نداشتند که به مکان دیگری بروند؛ حتی اجازه برگشت به خانه خود را هم نداشتند! مردم را تهدید می‌کردند که اگر قواعد و قوانین را مراعات نکنید، زندانی می‌شوید و اگر از اوامر پولیس و دستورالعمل‌ها نافرمانی کنند، فوراً با گلوله هدف قرار خواهند گرفت. ساکنان آن منطقه برای 20 روز کامل از خوردن، نوشیدن، استفاده ادویه و لوازم ضروری ممنوع شده بودند. در نتیجه این محدودیت‌های سخت یا به عباره دیگر، پروژه ریشه‌کن نمودن مسلمانان اویغور، تعداد زیادی از اطفال، پیرمردها و زنان فوت کردند و حتی اطفال در خانه‌های خود از فرط گرسنگی درگذشتند؛ اما بقیه آن‌ها ناله می‌کنند و از درد گرسنگی فریاد می‌زنند. فریاد مظلومیت آن‌ها به آسمان رسیده و مادران به سبب عدم تحمل فریادهای اطفال‌شان داد و وایلا نموده می‌گویند: «من یک انسانم» و اطفالم نزدیک است، بمیرند!» خادم‌ها برای بعضی از آن‌ها خوراکی‌های را می‌دهند که حتی حیوانات هم از آن استفاده نمی‌کنند! این فقط یکی از عملیات حاکمان چین برای نابودی مسلمانان اویغوری است.

تمام این جنایت‌ها در برابر چشم دو میلیارد مسلمان صورت می‌گیرد؛ ولی چینی‌ها از خشم آن‌ها نمی‌ترسند؛ چون شجاعت خود را از خاموشی حاکمان خائن مسلمانان می‌گیرند که در مقابل اقدامات چین علیه مسلمانان ترکستان شرقی چشم‌پوشی می‌کنند. به تعبیر قرآن کریم، آن‌ها:

﴿صُمُّ بَكْمُ عُمِّي فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ [بقره: 171]

ترجمه: (آنان هم چون) کران و لالان و کورانند و (به سوی حق و حقیقت) راه بازگشت ندارند!

تمام این جنایات‌ها بیانگر بی‌پروایی حاکمان مسلمانان و هم‌چنین حقارت و جنایت‌های رهبران جهانی است که خود را جهان آزاد می‌پندارند؛ دولت‌هایی که به خاطر مرگ یک سگ به پا می‌خیزد؛ اما در مقابل مرگ هزاران انسان مسلمان از گرسنگی تکان نمی‌خورند! دولت‌های غربی به شمول آمریکا و سازمان ملل - که مدام مدعی حقوق انسان، پاسدار آزادی و انسانیت هستند، هرگز و اصلاً کاری را برای جلوگیری از جنایات چین انجام نداده‌اند؛ چون آنان برای منافع خودشان، نه برای چیزی دیگری، حرکت می‌کنند و این کارشان بارها ثابت شده است.

امت اسلامی در غیاب دولت خلافت درد و رنج زیادی را کشیده است! اگر این امت مثل هارون رشید خلیفه‌ای می‌داشتند که در پاسخ به امپراتور بیزانس نوشت: «ای پسر زن کافر! پاسخ نامه‌ات را برایت نمی‌شنوایم، بلکه نشان خواهیم داد!» و یا مثل معتمد، خلیفه‌ای می‌داشتند که در پاسخ به درخواست کمک یک زن مسلمان اسیر و مظلومی که به دست لشکر رومیان افتاده بود، لشکر بزرگی را فراهم آورد و شهر کاملی را فتح نمود! اگر این امت در حال حاضر نیز چنین خلفای با غیرت و با شهامتی می‌داشت، آیا چین ملحد می‌توانست برادران مسلمان مان را در سرزمین‌های‌شان در هم بکوبد؟! و آیا می‌توانست زنان مسلمان را مجبور به اعمال طاق‌فرتسا و زشت کند؟ نه، هرگز و ابداً چنین جرأتی را نمی‌توانست! ما هرگز پاسخ قتیبه بن مسلم باهلی به پادشاه چین را فراموش نمی‌کنیم. مسلمانان در زیر سایه دولت اسلامی با عزت زندگی می‌کردند! امروز نیز تنها راه نجات از ظلم چین همانا برپایی خلافت راشد است و بجز از این راه‌حل، هیچ راه‌حل دیگری ما را به عزت از دست‌رفته مان بر نخواهد گرداند.

لذا اویغورها مردم متدینی هستند، اعتقاد کامل به اسلام دارند و قرن‌های زیادی می‌شود که به دین خود متمسک می‌باشند؛ علی‌الرغم مشکلات، زندانی شدن، شکنجه و غصب اموال‌شان توسط کفار، هنوز استوار اند و ابداً تسلیم نمی‌شوند. آن‌ها جزء از امت اسلامی استند و تعدیب و شکنجه‌ای که می‌شوند، فقط بخاطر نسبت‌شان به اسلام است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ [بروج: 8]

ترجمه: آن‌ها هیچ ایرادی بر مؤمنان نداشتند، جز اینکه به الله عزیز و حمید ایمان آورده بودند.

ای مسلمانان با عزت، نبی مان محمد صلی الله علیه وسلم در وصف مسلمانان فرموده است:

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ؛ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى»

ترجمه: افراد با ایمان در دوستی و نیکی به یکدیگر هم‌چون اعضای یک پیکر اند که چون بعضی از آن رنجور شد و به درد آید، اعضای دیگر را قرار و آرامش نخواهد بود.

پس از شما می‌خواهم برای اعاده خلافت راشده بر منهج رسول الله صلی الله علیه وسلم سعی و تلاش نمائید؛ چون یگانه راه‌حل همین است که برادران مظلوم مان را در تمام بخش‌های جهان نصرت و یاری کنیم! تنها دولت خلافت است که به زودترین وقت شما را از زیر ظلم کفار نجات و به سوی عدل اسلام می‌آورد و یا به سخن دیگر، شما را به سعادت دنیا و آخرت می‌رساند.

برگرفته از شماره 410 جریده الرایه

نویسنده: استاد آسیه اویغوری

مترجم: پارسا «امیدی»

